

در آمدی بر
تاریخ اندیشهٔ سیاسی در ایران

ویراستهٔ جدید

سید جواد طباطبائی

فهرست مطالب

۹ اختصارات
۱۱ پیشگفتار نسخه دوم
۱۷ فصل نخست : ملاحظات در اندیشه سیاسی از اسلام تا ایران
۴۳ فصل دوم : مقدمه بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران
۷۷ فصل سوم : خواجه نظام الملک طوسی و اندیشه سیاسی ایرانشهری
۱۱۳ فصل چهارم : منحنی تحول اندیشه سیاسی غزالی
۱۶۱ فصل پنجم : اندیشه سیاسی امام فخر رازی
۱۷۵ فصل ششم : تأملی در انحطاط حکمت عملی در ایران
۲۰۵ فصل هفتم : امتناع تأسیس اندیشه سیاسی بر مبنای اندیشه عرفانی
۲۲۷ فصل هشتم : دریافت عرفانی اندیشه سیاسی ایرانشهری
۲۵۱ فصل نهم : فضل الله روزبهان خنجی و تجدید ایدئولوژی خلافت
۲۷۱ کتاب نامه
۲۸۵ نمایه نام‌ها و آثار
۲۸۹ نمایه مفاهیم

فصل نخست

ملاحظاتى در اندیشه سياسى از اسلام تا ايران

اندیشه سياسى^۱ بخشى مهم در تاريخ عمومى اندیشه در ايران و از بسيارى جهات ناشناخته ترين فصل آن در دوره اسلامى ايران است.^۲ اگر از برخى نوشته هاى کمابيش کم اهميت بگذريم، به جرأت مى توان گفت که در اين مورد نيز تنها نوشته هاى اساسى را مديون پژوهش هاى غربى هستيم. از نزديک به دو سده پيش، در تاريخ اندیشه نيز بسيارى از منابع اساسى را نخست پژوهندگان غربى شناسايى و با اسلوب روش هاى علمى چاپ انتقادى کردند و محققان ايرانى با اقتداى به آنان توانستند گام هاى در شناسايى و انتشار منابع تاريخ اندیشه در ايران بردارند. با اين همه، با گذشت نزديک به دو سده از آغاز به کارگيرى روش هاى تحقيق علمى هنوز بسيارى از منابع تاريخ اندیشه در ايران به چاپ يا به چاپ انتقادى نرسيده و بديهى است تا زمانى که همه اين منابع يا عمده آنها در دسترس پژوهندگان نباشد، تدوين تاريخ عمومى اندیشه و اندیشه سياسى در ايران امکان پذير نخواهد شد. وانگهى، تاريخ اندیشه در ايران دو دوره باستان و اسلامى را گذرانده است: بهره بردارى از

۱. واژه اندیشه (thought) را در اين فصل به معنای عام به کار برده ايم که شامل فلسفه و آراء و عقايد (ideas) مى شود. بدون ورود در جزئيات مطلب يادآور مى شويم که فلسفه سياسى تأملی نظری درباره مناسبات قدرت بر مبنای نظامی فلسفی است، در حالی که اندیشه سياسى نظریه پردازی درباره مناسبات قدرت بدون لحاظ مقدمات فلسفی است. بنا بر اين، تاريخ عقايد سياسى (history of political ideas) به دو وجه لحاظ امر سياسى يعنى فلسفه سياسى (political philosophy) و اندیشه سياسى (political thought) به معنای خاص کلمه نظر دارد.

۲. قيد دوره اسلامى به اين معنا نيست که درباره دوره باستان پژوهش قابل توجهی صورت گرفته است. تأکيد بر دوره اسلامى در اين جا تنها به اين معناست که ملاحظات ما به اين دوره تاريخی مربوط و محدود مى شود.

منابع دوره باستان نیازمند آشنایی با چندین زبان کهن ایرانی است، هم‌چنان‌که در دوره اسلامی نیز همه منابع تاریخ اندیشه در ایران به زبان جدید فارسی نوشته نشده است. اگرچه، چنان‌که خواهیم گفت، کاربرد کمابیش انحصاری زبان فارسی در اندیشه سیاسی در ایران موردی جالب توجه است، اما در نخستین سده‌های تاریخ اندیشه سیاسی زبان رسمی عربی بود و، با تدوین مبنای نظری اندیشه سیاسی ایران‌شهری، فارسی جانشین عربی شد. خواهیم گفت که از این مقطع، یکی از نخستین عاملان انتقال اندیشه ایران‌شهری به دوره اسلامی، هیچ نوشته‌ای به زبان فارسی باقی نمانده است. او، که پهلوی می‌دانست و با سنت ایران‌شهری اندرزنامه‌نویسی به دقت آشنایی داشت، رساله‌هایی را از پهلوی به عربی ترجمه کرد و خود نیز رساله‌هایی در اخلاق و ادب ایران‌شهری نوشت. افزون بر این، درباره هیچ یک از منابع مهم تاریخ اندیشه سیاسی در ایران پژوهش مستقلی انجام نشده است: اسلام‌شناسان غربی درباره برخی از رساله‌های عربی، که البته از منابع تاریخ اندیشه در ایران به شمار می‌رود، و نیز برخی از نویسندگان که به میراث مشترک فرهنگی ایران و اسلام تعلق دارند، مانند امام محمد غزالی، تحقیقات مهمی کرده‌اند، اما درباره هیچ یک از منابع دست اول و فارسی تاریخ اندیشه سیاسی در ایران پژوهشی که از اهمیتی برخوردار باشد، منتشر نشده است. در زبان فارسی تاکنون هیچ نوشته‌ای در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران که اهمیتی داشته باشد، منتشر نشده است، اما در این مورد نیز ناچار باید به برخی از نوشته‌های غربی اشاره کرد که نمی‌توان به آن‌ها بی‌اعتناء ماند.^۱

۱. در فصل‌های آتی، به مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره خواهیم کرد. از میان تاریخ‌های عمومی اندیشه سیاسی می‌توان به عنوان زیر اشاره کرد.

Erwin I.J. Rosenthal, *Political thought in medieval Islam*; Ann K.S. Lambton, *State and government*.

در سال‌های اخیر نیز دو کتاب درباره تاریخ عمومی اندیشه سیاسی در دوره اسلامی منتشر شده است که نخستین آن‌ها تاریخ عمومی اندیشه سیاسی از آغاز تا دوران جدید را در بر می‌گیرد. در حالی‌که تحقیق دوم جریان‌های اندیشه دوره سیاسی را تا پایان دوره سلجویان دنبال کرده و در دومین بخش نیز مباحثی تحلیلی در اندیشه سیاسی را آورده است. کتاب بلک، که نویسنده آن با عربی و فارسی آشنایی ندارد، جنگی فراهم آمده از پژوهش‌های موجود در زبان‌های اروپایی است. تحقیق پاتریشیا کرون اثری

این نکته در بررسی عمده پژوهش‌های درباره تاریخ اندیشه سیاسی در ایران دارای اهمیت است که آن تحقیقات در حوزه اسلام‌شناسی قرار دارند و نویسندگان آن‌ها مقدمات تاریخ اندیشه در دوره اسلامی را به قلمرو بررسی‌های ایرانی تعمیم داده‌اند. به مناسبت‌های دیگری نیز خواهیم گفت که بسیاری از این مقدمات دریافت‌های اسلام‌شناسان اروپایی است و ابهام‌هایی دارد که در بررسی‌های دقیق‌تر نمی‌توان به ایرادهای آن‌ها بی‌اعتناء ماند. حتی تاریخ‌نویس انگلیسی، لمبتون، که از شمار اندک پژوهشگران تاریخ اندیشه سیاسی در ایران بود که زبان فارسی می‌دانست، منابع اصلی را می‌شناخت و در یک کتاب و چندین مقاله و جوهی از تاریخ اندیشه سیاسی در ایران را مورد بررسی قرار داده است، به بسیاری از ویژگی‌های آن توجهی نشان نداده و با ذکر این نکته که هر سه جریان اندیشه سیاسی در دوره اسلامی، بویژه اندیشه سیاسی شریعت‌نامه‌نویسان، «پیوندهای نزدیکی با theology دارد»، با اقتدای به اسلام‌شناسی رسمی می‌افزاید که «علم سیاست، در اسلام، به مثابه رشته‌ای مستقل وجود نداشته» و اگر چیزی به این نام وجود داشت، «بخشی از theology بوده است».^۱ بدیهی است که این سخن در صورت کلی آن می‌تواند وجهی داشته باشد، اما اگر بخواهیم از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی و با توجه به منابع موجود در آن نظر کنیم، آن را خرسندکننده نمی‌یابیم. به درستی نمی‌دانیم که theology که ما به عمد واژه انگلیسی آن مفهوم را آوردیم، به چه معنایی به کار رفته است، زیرا اگر آن را مانند بیشتر اسلام‌شناسان معادل علم کلام بدانیم، باید بگوییم که چنین سخن کلی با توجه به پیچیدگی‌هایی که تاریخ اندیشه سیاسی در دوره اسلامی داشته است، درست نیست. پیش از

جدی‌تر است، اما او تاریخ‌نویس سده‌های نخست دوره اسلامی است و با زبان فارسی نیز آشنایی چندانی ندارد. این تحقیق بیشتر صبغه‌ای تاریخی دارد و بخش مربوط به ایران آن در نهایت اختصار و شتابزدگی نوشته شده است.

Anthony Black, *The history of Islamic political thought from the Prophet to the present*; Patricia Crone, *Medieval Islamic political thought*.

1. Ann Lambton, «Justice in the medieval Persian theory of kingship», *Theroy and practice in medieval Persian government*, p. 92.

تدوین علم کلام سیاستنامه‌نویسی، به عنوان مهم‌ترین جریان اندیشه ایران‌شهری، مقامی مهم در نخستین سده‌های دوره اسلامی پیدا کرده بود و آن‌گاه نیز که علم کلام تدوین شد، مباحث سیاسی در محدوده خاصی می‌توانست در آن علم مطرح شود. این احتمال نیز وجود دارد که تاریخ‌نویس انگلیسی واژه *theology* را به عنوان معادل «الهیات» به کار گرفته باشد. در این صورت نیز حدود و ثغور آن به درستی بر ما معلوم نیست: در اسلام، به دلیل سرشت ویژه آن به عنوان دیانت مبتنی بر شریعت، «الهیات»، در تداول مسیحی آن تدوین نشد و بحث «سیاسات»، در آن‌چه به نام «الهیات»، به عنوان بخشی از بسط متافیزیک فلسفه یونانی در دوره اسلامی، می‌شناسیم، چنان‌که در فصل‌های پایانی «الهیات» شفاء ابوعلی سینا آمده است، به طور عمده، یونانی است و ربطی به اسلام ندارد. وانگهی، این‌که در سده‌های میانه دوره اسلامی «علم سیاست» به عنوان رشته‌ای مستقل نتوانست تدوین شود، سخنی بدیهی است. این «علم سیاست» دانشی نوین است، هم‌چنان‌که در دوره مسیحی نیز تا آغاز دوران جدید اندیشه سیاسی به «علم سیاست» تحول پیدا نکرد.

لمبتون این ارزیابی کلی از مقام سیاست در دوره اسلامی را بر پایه بحثی بیان کرده است که پیشتر *رُزنتال*، تاریخ‌نویس اندیشه سیاسی، در مقاله‌ای درباره ویژگی‌های عمده اندیشه سیاسی در دوره اسلامی آورده بود. *رُزنتال* در این مقاله، با ذکر این نکته که یگانه تفسیر مجاز از اسلام را فقیهان عرضه کرده‌اند و همین تفسیر بر همه وجوه حیات اجتماعی جامعه اسلامی اشراف دارد و در حکومت اسلامی نیز ریاست دینی و دنیوی با خلیفه است، گفته بود که «بنابراین، نمی‌توان امیدوار بود که در اسلام نظریه سیاسی مستقلی تدوین شود».^۱ پایین‌تر خواهیم گفت که از همان آغاز دوره اسلامی سه جریان در قلمرو اندیشه سیاسی پدیدار شد که بویژه جریان سیاستنامه‌نویسی، به

1. Erwin I.J. Rosenthal, «Some aspects of Islamic political thought», *Studia Semitica*, vol. I, p. 17.

عنوان ادامه اندیشه سیاسی ایران‌شهری، نسبتی با شریعت اسلامی، به گونه‌ای که در نظریه‌های آرمانی خلافت تدوین شده است، نداشت. اگرچه همه اجتماعاتی را که در دوره اسلامی و در کشورهایی که به تصرف اعراب درآمده بود، ایجاد شد، می‌توان «جامعه اسلامی» و دولت آن‌ها را تا زمانی که از خلافت تبعیت می‌کردند، «حکومت اسلامی» خواند، اما این بحث‌های کلی سرشت پیچیده جریان‌های اندیشه سیاسی و نسبت‌های میان آن‌ها را روشن نمی‌کند. تا زمانی که نتوان این بحث‌های کلی را به محک نتایج بحث‌های دقیق‌تر حوزه‌هایی زد که در بیرون قلمرو خلافت به وجود آمدند، بحث‌های اساسی تاریخ اندیشه سیاسی در دوره اسلامی روشن نخواهد شد. به عبارت دیگر، دستاوردهای پژوهش در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران باید قرینه‌ای بر درستی این کلیات باشد، اما نمی‌توان این کلیات را به مواد تاریخ اندیشه سیاسی در ایران تعمیم داد. بحث *رُزنتال*، مانند اغلب تاریخ‌نویسان غربی، درباره اندیشه سیاسی دوره اسلامی به منابع عربی محدود می‌شود؛ او، مانند بسیاری از اسلام‌شناسان با منابع فارسی آشنایی نداشت و تصور عمومی خود از اسلام سرزمین‌های خلافت را به همه جهان اسلام تعمیم می‌داد، اما جای شگفتی است که لمبتون که با منابع عربی کمتر از فارسی آشنایی داشت، کوشش کرده است منابع اندیشه سیاسی ایران‌شهری را با توجه به کلیات بحث *رُزنتال* مورد بررسی قرار دهد. سهم ایران در تدوین مهم‌ترین جریان اندیشه سیاسی دوره اسلامی، که به گونه‌ای که خواهیم گفت، به تدریج، دیگر جریان‌های سیاسی را در خود ادغام و حل کرد، اساسی بود. شاید، بتوان گفت که اصل در بررسی تاریخ اندیشه سیاسی سرزمین‌هایی از قلمرو خلافت که ایران در کانون آن قرار داشت، یعنی دست‌کم از بغداد تا خراسان بزرگ، توضیح بسط و تداوم اندیشه سیاسی ایران‌شهری، به عنوان گفتاری مستقل در سیاست، است. از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی، جریان عمده اندیشه سیاسی در سرزمین‌های شرقی خلافت تا ندمالی خلیفه در یورش مغولان و از آن پس تا آغاز دوران جدید سیاستنامه‌نویسی بود و از آن‌جا که سیاستنامه‌نویسی در ادامه اندیشه